

## Comparison of Processing Speed, Selective Attention, Planning, and Alexithymia between Children of Divorce and Normal Children

Maryam Abdoli<sup>1</sup>, Amirhossein Mobaraki<sup>2</sup>, Hadi Mohammadi<sup>3</sup>, Masoud Rostami<sup>4</sup>

1- Master's of Career Counseling, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

2- Master's in Personality Psychology, Islamic Azad University, Electronic Branch, Tehran, Iran.

3- Master's in General Psychology Islamic Azad University, Badroud Branch, Isfahan, Iran.

4- Assistant professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author). E-mail: Mdrostami2009@edpsy.usb.ac.ir

Received:03/07/2023

Accepted:26/11/2023

### Abstract

**Introduction:** Divorce and its unfavorable behavioral consequences have numerous undesirable effects on children. For this reason, investigating the psychological factors affecting these consequences is of great importance.

**Aim:** The present research was conducted aiming to compare processing speed, selective attention, planning, and alexithymia between children of divorce and normal children.

**Method:** The current research was a descriptive and causal-comparative study. The statistical population consisted of all 8-12-year-old female and male students in the 14<sup>th</sup> and 15<sup>th</sup> districts of the city of Tehran in the academic year of 2023-2024. Of this population, 80 people were selected as children of divorce and 80 people as normal children by the convenience method and purposefully. Connors' Neuropsychology Inventory (2004) and Bagby et al.'s (1994) Alexithymia Scale were used for data collection. Data were analyzed using the independent t-test by SPSS version 24 software.

**Results:** According to the t-test results, all research variables, including processing speed, selective attention, planning, and alexithymia, were significantly different in the two groups of children of divorce and normal children ( $P < 0.05$ ). Accordingly, in the variables of processing speed, selective attention, and planning, the mean score of normal children was higher than that of children of divorce, but in the components of alexithymia, including difficulty in identifying emotions, difficulty in describing emotions, and objective thinking, the mean score of children of divorce was higher than that of normal children.

**Conclusion:** According to the obtained results, it can be concluded that parents' divorce is considered a factor for the occurrence of problems in children's processing speed, selective attention, planning, and alexithymia, so paying attention to children of divorce is of great importance.

**Keywords:** Processing speed, Selective attention, Planning, Alexithymia, Children of divorce

## مقایسه سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در کودکان طلاق و کودکان عادی

مریم عبدلی<sup>۱</sup>، امیرحسین مبارکی<sup>۲</sup>، هادی محمدی<sup>۳</sup>، مسعود رستمی<sup>۴</sup>

۱. کارشناس ارشد مشاوره شغلی، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد باد رود، اصفهان، ایران.

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل:

Mdrostami2009@edpsy.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲

### چکیده

**مقدمه:** طلاق و پیامدهای رفتاری آن بر کودکان اثرات نامطلوب زیادی دارد به همین دلیل بررسی عوامل روانشناختی مؤثر بر این پیامدها از اهمیت بسزایی برخوردار است.

**هدف:** این پژوهش با هدف مقایسه سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در کودکان طلاق و کودکان عادی انجام شد.

**روش:** طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی ۸ تا ۱۲ سال مناطق ۱۴ و ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که تعداد ۸۰ نفر کودک طلاق و ۸۰ نفر کودک عادی به روش نمونه‌گیری در دسترس و به صورت هدفمند انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس عصب-روان‌شناختی کانرز (۲۰۰۴) و مقیاس ناگویی هیجانی بگبی و همکاران (۱۹۹۴) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تی مستقل به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** آزمون تی، تمام متغیرهای پژوهش شامل سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در دو گروه کودکان طلاق و کودکان عادی تفاوت معناداری دارد ( $P < 0.05$ ). بر این اساس، در متغیرهای سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی میانگین نمره گروه کودکان عادی بالاتر از گروه کودکان طلاق بود؛ اما در مؤلفه‌های ناگویی هیجانی شامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی میانگین کودکان طلاق از گروه کودکان عادی بیشتر بود.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج می‌توان گفت طلاق والدین عاملی برای بروز مشکل در سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی کودکان محسوب می‌شود؛ بنابراین توجه و رسیدگی به فرزندان طلاق اهمیت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی، ناگویی هیجانی، طلاق

## مقدمه

طلاق<sup>۱</sup> والدین یک وضعیت بحرانی است که زمینه را برای تغییرات در زندگی خانوادگی فراهم می‌کند (بریسون و ورلا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). هر ساله تعداد فزاینده‌ای از فرزندان طلاق والدین خود را تجربه می‌کنند (اسمیت-اتسبریا، کورس-کدرانو و فرناندز-ویلانوا<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). فروپاشی خانواده در نتیجه طلاق به‌خودی‌خود یک رویداد آسیب‌زا برای کودک است (آنچسی، کورالو، دی‌کارا، کوارتارونه و کاتالیوتو<sup>۴</sup>، ۲۰۲۳) که شامل از دست دادن محیط شناخته شده خانواده، نیاز به کنار آمدن با جدایی اجباری از هر یک از والدین و همچنین تجربه درگیری والدین است و در برخی موارد ممکن است سال‌ها طول بکشد و احساس امنیت عاطفی کودک را کاهش دهد (بریسون و ورلا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰) همچنین، کودکان اغلب خود را برای انحلال ازدواج والدینشان سرزنش می‌کنند و همچنان به خیال‌پردازی در مورد اتحاد مجدد خانواده ادامه می‌دهند (مورتلمانس<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰).

مطالعات متعدد نشان داده است که کودکان خانواده‌های مطلقه مستعد ابتلا به مشکلات سازگاری هستند (ون-دیجک، ون‌دروالک، دکویچ و برانجه<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲) و ممکن است این مشکلات تا بزرگسالی ادامه داشته باشند (بریسون و ورلا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). در مقایسه با کودکان خانواده‌های عادی، کودکان طلاق مشکلات درونی سازی و تغییرات خلقی، همراه با غم، اندوه و خشم بیشتری را

تجربه می‌کنند و سطوح بالاتری از مشکلات بیرونی را نشان می‌دهند (ویور و شوفیلد<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵) و مشکلات بیشتری در روابط اجتماعی (ون‌دیجک و همکاران، ۲۰۲۲) و سطوح پایین‌تری از عزت نفس را نشان می‌دهند (ویور و شوفیلد، ۲۰۱۵)، همچنین این کودکان از نظر عملکردهای اجرایی<sup>۸</sup> آسیب‌پذیرتر هستند (راد و ویسی-پور، ۱۴۰۲). کارکرد اجرایی یک اصطلاح چتر مانند برای تعدادی از عملکردهای شناختی مرتبط با یکدیگر است (جوسینه، راکیکینه، بریدوکینه و لورینایتیه<sup>۹</sup>، ۲۰۲۰) که فرآیندهای شناختی را تنظیم و هماهنگ می‌کنند، به پویایی شناخت انسان جهت می‌دهند و به افراد امکان می‌دهند به اهداف خود دست یابند (جوسینه و همکاران، ۲۰۲۰) همچنین کارکردهای اجرایی به صورت ساختارهای چندمنظوره عصبی-روانشناختی فرض می‌شوند و توسط شبکه‌های عصبی گسترده در مغز انسان پشتیبانی می‌گردند (بختیاری‌جوان، فرخی، بختیاری‌جوان و صادقی، ۱۳۹۹).

کارکرد اجرایی به عنوان یک فرآیند فراشناختی که برای انجام عملیات پیچیده و هدفمند ضروری است (لیلی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۹)، شامل سرعت پردازش<sup>۱۱</sup>، توجه انتخابی<sup>۱۲</sup> و برنامه‌ریزی<sup>۱۳</sup> است (ژان، آی، رن، لی، چو و چنگ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۲۰). یک دیدگاه غالب این است که سه عملکرد تغییر مجموعه ذهنی، به‌روزرسانی اطلاعات و نظارت و مهار

<sup>7</sup>. Weaver & Schofield

<sup>8</sup>. Executive Functions

<sup>9</sup>. Jusienė, Rakickienė, Breidokienė & Laurinaitytė

<sup>10</sup>. Lilly, F. R.

<sup>11</sup>. Processing Speed

<sup>12</sup>. Selective Attention

<sup>13</sup>. Planning

<sup>14</sup>. Zhan, Ai, Ren, Li, Chu & Chang

<sup>1</sup>. Divorce

<sup>2</sup>. Bryceson & Vuorela

<sup>3</sup>. Smith-Etxebarria, Corres-Medrano & Fernandez-Villanueva

<sup>4</sup>. Anchesi, Corallo, Di Cara, Quartarone & Catalioto

<sup>5</sup>. Mortelmans

<sup>6</sup>. van Dijk, van der Valk, Deković & Branje

پاسخ‌های قوی بیشترین تنوع فردی را در عملکردهای اجرایی به وجود می‌آورند (لیلی، ۲۰۱۹)؛ بنابراین کارکردهای اجرایی، کارکردهای شناختی اساسی و سایر کارکردها و رفتارهایی را که برای سازگاری با محیط اساسی هستند، کنترل و تعدیل می‌کنند (ژان و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از کارکردهای اجرایی به ارزیابی فرآیندهای توجه انتخابی مربوط می‌شود، به طور کلی، فرآیندهای توجه انتخابی به کیفیت پردازش اطلاعات فعال در هر زمان معین اشاره دارد (زاگاریا، آنتونوسی، بونو، روکپرو و زاگولتی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). خانجانی، فرهودی، نظری، سعیدی و آبروانی (۱۳۹۷) توجه را به عنوان یک فرایند شناختی که به صورت تمرکز انتخابی بر روی جنبه‌ای از محیط، در حالی که دیگر جنبه‌های محیط نادیده گرفته می‌شوند تعریف کرده‌اند. همچنین اسپیکمن و ون زومرن<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) توجه انتخابی را به عنوان وضعیت یک سیستم پردازشی که از نظر گزینش‌پذیری و شدت تنظیم شده است توصیف کردند. بعد گزینشی به فرآیند اولویت دادن به محرک‌های خاص با توجه به دیگران اشاره دارد و می‌توان آن را با وظایفی مانند توجه متمرکز یا تقسیم شده آزمایش کرد، بعد شدت به فرآیند فعال شدن و حفظ توجه در طول زمان اشاره دارد (اسپیکمن و ون زومرن، ۲۰۱۰). یک مفهوم مرتبط دیگر با کارکردهای اجرایی به سرعت پردازش اطلاعات مربوط می‌شود؛ زیرا معمولاً اطلاعات زیادی برای پردازش مداوم در دسترس است و

ناظر باید اطلاعات مربوطه را انتخاب کند باید توجه داشت، کارکردهای اجرایی و توجه معمولاً به عنوان فعالیت‌های پیوسته اما تا حدی متمایز در نظر گرفته می‌شوند که به اقدامات جداگانه (اما گاهی اوقات تا حدی همپوشانی) نیاز دارند، یک مفهوم مرتبط دیگر با کارکردهای اجرایی برنامه‌ریزی است، برنامه‌ریزی عبارت است از توانایی سازماندهی رفتار در موقعیت‌های خاص و اندیشیدن به آینده برای رسیدن به هدف از طریق یک سری مراحل (کوربو و کاساگراند<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). اندرو، دوان، پریم، دوکا، اتکینسون، تیواری و گونزالز<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هرج و مرج و مشکلات در روابط والدین باعث ایجاد مشکل در کارکردهای اجرایی کودکان می‌شود. دمت، اسپچورمانس، جونگرلینگ، متکالف، لوکاسن و فرانکن<sup>۵</sup> (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که استرس-زاهای دوران کودکی بر عملکردهای اجرایی تأثیرات منفی برجای می‌گذارد. پژوهش ژو، یو، دونگ و ژانگ<sup>۶</sup> (۲۰۲۰) نشان داد بین استرس زندگی و مشکلات اجتماعی-عاطفی کودکان با عملکردهای اجرایی از جمله سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی ارتباط معناداری وجود دارد. یکی از متغیرهای مرتبط با عملکردهای اجرایی، ناگویی هیجانی است (کوررو، پایتل، بیرس و نیلسون<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱).

<sup>۳</sup>. Corbo & Casagrande

<sup>۴</sup>. Andrews, Dunn, Prime, Duku, Atkinson, Tiwari & Gonzalez

<sup>۵</sup>. De Maat, Schuurmans, Jongerling, Metcalf, Lucassen & Franken

<sup>۶</sup>. Zhou, Yu, Dong & Zhang

<sup>۷</sup>. Corroero, Paitel, Byer & Nielson

<sup>۱</sup>. Zagaria, Antonucci, Buono, Recupero & Zoccolotti

<sup>۲</sup>. Spikman & Van Zomeren

که طلاق چه تأثیراتی می‌تواند بر سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در کودکان داشته باشد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف مقایسه سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در کودکان طلاق و کودکان عادی انجام شد.

## روش

روش پژوهش حاضر کاربردی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی ۸ تا ۱۲ سال مناطق ۱۴ و ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. با توجه به اینکه در پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای حجم نمونه حداقل ۳۰ نفر برای هر گروه در نظر گرفته می‌شود (دلاور، ۱۴۰۱)، بر این اساس با احتساب احتمال عدم همکاری آزمودنی‌ها حجم نمونه ۱۶۰ نفر و به ازای هر گروه ۸۰ نفر تعیین شد؛ بنابراین، با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۶۰ نفر در دو گروه ۸۰ نفری شامل کودکان طلاق و کودکان عادی جایگزین شدند. گروه اول دانش‌آموزان دختر و پسر (هر گروه جنسی ۴۰ نفر) بودند که بر اساس اطلاعات پرونده مشاوره‌ای آن‌ها به عنوان فرزند طلاق شناسایی شدند و گروه دوم به عنوان کودکان عادی از بین همکلاسی‌های آن‌ها انتخاب شدند. فرایند انتخاب نمونه‌ها بدین صورت بود که دانش‌آموزان از پایه‌های دوم تا ششم ابتدایی به تعداد ۱۶ نفر از هر پایه برای هر گروه انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل: دانش‌آموز پایه دوم تا ششم ابتدایی در دامنه سنی ۸ تا ۱۲ سال، ثبت‌نام در مدارس دولتی عادی، داشتن سلامت روانی بر اساس پرونده مشاوره دانش‌آموز بود. ملاک‌های

کودکان طلاق از صلاحیت اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی ضعیفی برخوردار هستند و این فرایند ممکن است در بیان مدیریت و ابراز احساسات آن‌ها را با مشکل مواجه کند و آن‌ها را در مسیر ناگویی هیجانی قرار دهد (گوهری، حسینی‌مدنی و افکاری، ۱۴۰۲). ناگویی هیجانی یک سازه چند بعدی است که با مشکلات در شناسایی احساسات و یافتن کلمات برای توصیف احساسات به دیگران، فرآیندهای تخیلی محدود و سبک‌شناختی درونگرا مشخص می‌شود (تیلور، بگبی و پارکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). شواهد نشان می‌دهد که ناگویی هیجانی یک عامل خطر است که ممکن است به صورت فرا-تشخیصی به اشکال مختلف آسیب‌شناسی روانی کمک کند (ویسمن، نوک، دوز، میلر، لامبارت، ساسه و مک-لوقین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). در این راستا صدوری دمیچی، منصوری و خدایی خیای (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین فرزندان طلاق و عادی از نظر ناگویی هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین توربرگ، یانگ، سالیوان و لایورز<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که جدایی والدین باعث بروز و ایجاد ناگویی هیجانی می‌شود؛ بنابراین، با توجه به بالا بودن آمار طلاق در کشور و اثرات زیان‌بار و آسیب‌زای آن بر سلامت روان و مهارت‌های شناختی کودکان و پیامدهای آن در بزرگسالی، پژوهش حاضر بر آن شد تا به منظور تعیین دقیق‌تر تأثیر پدیده طلاق بر مهارت‌های شناختی کودکان به بررسی این موضوع بپردازد و مشخص نماید

1. Taylor, Bagby & Parker

2. Weissman, Nook, Dews, Miller, Lambert, Sasse & McLaughlin

3. Thorberg, Young, Sullivan & Lyvers

خروج نیز شامل: دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی، دانش‌آموزان دارای بیماری‌های جسمی بر اساس اطلاعات پرونده تحصیلی بود. شیوه اجرای پژوهش هم به این صورت بود که پس از انتخاب نمونه‌ها به شرکت‌کنندگان در مورد شرایط شرکت در پژوهش و هدف پژوهش توضیحاتی ارائه شد و سپس اصول اخلاقی نظیر رضایت

## ابزار

**مقیاس عصب- روان‌شناختی کانرز (فرم معلم):**<sup>۱</sup> این آزمون توسط کانرز<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۰ به منظور ارزیابی مهارت‌های عصب روان‌شناختی از جمله توجه، کارکردهای اجرایی، حافظه، فعالیت‌های حسی- حرکتی، کارکردهای زبان، یادگیری و پردازش بینایی- فضایی در چهار طیف (مشاهده نشده تا شدید) برای کودکان ۵ تا ۱۲ سال ساخته شده است و دارای دو فرم والدین و معلم است که در پژوهش حاضر از فرم معلم استفاده شد. جدیدی و عابدی در سال ۱۳۹۰ این مقیاس را ترجمه و هنجاریابی کرده‌اند. در پژوهش حاضر با توجه به اهداف پژوهش از خرده مقیاس‌های توجه، کارکردهای اجرایی (برنامه‌ریزی) و پردازش بینایی- فضایی استفاده شد. ضرایب پایایی درونی با دامنه‌ای از ۰/۷۵ تا ۰/۹۰ و ضریب پایایی بازآزمایی با هشت هفته فاصله ۰/۶۰ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (وردجو-گارسیا، آلکارز-کارلوس و آلبین-یوریوس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). اعتبار سازه‌های

آگاهانه، رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی از والدین و سرپرستان آن‌ها اخذ شد. در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل آزمون تی مستقل برای تحلیل استفاده شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شد.

فرم‌های کانرز با استفاده از روش‌های تحلیل عوامل به- دست آمده و اعتبار افتراقی آن‌ها با بررسی آماری توانایی پرسشنامه در تمایز افراد مبتلا به ADHD از عادی و دیگر گروه‌های بالینی قویاً تأیید شده است. پایایی این مقیاس در پژوهش کشاورز و زارعی (۱۳۹۹) با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه شد.

**مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20):**<sup>۴</sup> این مقیاس توسط تیلور، بگبی و پارکر در سال ۲۰۰۳ ساخته شده و یک آزمون ۲۰ سؤالی است که سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات (شامل سؤالات ۱-۳-۶-۷-۹-۱۳-۱۴)، دشواری در توصیف احساسات (شامل سؤالات ۲-۴-۱۱-۱۲-۱۷) و تفکر با جهت‌گیری خارجی یا عینی (شامل سؤالات ۵-۸-۱۰-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰) را موردسنجش قرار می‌دهد. روش نمره‌گذاری آن به شیوه لیکرت است و به پاسخ (کاملاً مخالف=نمره ۱) و (کاملاً موافق=نمره ۵) تعلق می‌گیرد. ماده سؤال‌های ۴-۵-۱۰-۱۸-۱۹ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس نمره بالاتر نشان‌دهنده ناگویی هیجانی بالاتر است. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس در پژوهش‌های تیلور و

1. Conners neuro-psychological scale

2. Conners

3. Verdejo-García, Alcázar-Córcoles & Albein-Urios

4. Farsi version of the Toronto Alexithymia Scale-20

## یافته‌ها

تعداد ۱۶۰ شرکت‌کننده در پژوهش مشارکت کردند. از نظر سنی، میانگین سن گروه کودکان طلاق ۱۰/۶۲ با انحراف معیار ۲/۰۲ و میانگین گروه کودکان عادی ۱۰/۶۹ با انحراف معیار ۱/۹۲ بود. از نظر جنسیت، هر گروه دختر و پسر با فراوانی برابر ۸۰ نفر در پژوهش حضور داشتند.

در جدول ۱ فراوانی (درصد) گروه‌های مورد مطالعه بر اساس پایه تحصیلی ارائه شده است.

همکاران (۲۰۰۳) تأیید شده است (بشارت، ۱۳۹۲). میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ در مطالعات خارجی ۰/۸۱ محاسبه شد (ویرمن، ون‌ریکتم، ورلیسن، دپاپ و کرومبزا، ۲۰۲۱). در پژوهش بشارت (۱۳۹۲) در نسخه فارسی مقیاس ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل ۰/۸۵، زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات ۰/۸۲، دشواری در توصیف احساسات ۰/۷۵ و تفکر عینی ۰/۷۲ محاسبه شد که نشان از همسانی خوب مقیاس است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را در نسخه فارسی تأیید کردند.

جدول ۱ توزیع فراوانی گروه‌های مورد مطالعه بر اساس پایه تحصیلی

| پایه تحصیلی | کودکان طلاق<br>فراوانی (درصد) | کودکان عادی<br>فراوانی (درصد) | کل<br>فراوانی (درصد) |
|-------------|-------------------------------|-------------------------------|----------------------|
| دوم         | ۳۴ (۴۲/۵)                     | ۳۲ (۴۰)                       | ۶۶ (۴۱/۲۵)           |
| سوم         | ۱۲ (۱۵)                       | ۱۱ (۱۳/۷۵)                    | ۲۳ (۱۴/۳۷)           |
| چهارم       | ۹ (۱۱/۲۵)                     | ۱۰ (۱۲/۵)                     | ۱۹ (۱۱/۸۷)           |
| پنجم        | ۱۲ (۱۵)                       | ۱۳ (۱۶/۲۵)                    | ۲۵ (۱۵/۶۲)           |
| ششم         | ۱۳ (۱۶/۲۵)                    | ۱۴ (۱۷/۵)                     | ۲۷ (۱۶/۸۷)           |

<sup>1</sup>. Veirman, Van Ryckeghem, Verleysen, De Paepe & Crombez

| متغیرها                                    |                                                                   | کودکان طلاق |          | کودکان عادی |          |
|--------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|-------------|----------|-------------|----------|
| ناگویی<br>هیجانی                           | دشواری در شناسایی احساسات<br>دشواری در توصیف احساسات<br>تفکر عینی | شاخص        | سطح      | شاخص        | سطح      |
|                                            |                                                                   | آزمون       | معناداری | آزمون       | معناداری |
|                                            |                                                                   | ۰/۹۶۵       | ۰/۲۱۵    | ۰/۸۶۴       | ۰/۲۳۵    |
|                                            |                                                                   | ۱/۱۴        | ۰/۰۶۹    | ۰/۹۶۸       | ۰/۱۳۶    |
|                                            |                                                                   | ۱/۲۵        | ۰/۰۷۴    | ۱/۱۲        | ۰/۱۱۲    |
| سرعت پردازش<br>توجه انتخابی<br>برنامه‌ریزی | دشواری در شناسایی احساسات                                         | ۰/۹۷۸       | ۰/۰۷۵    | ۱/۳۵        | ۰/۱۵۴    |
|                                            | دشواری در توصیف احساسات                                           | ۰/۹۲۹       | ۰/۰۶۳    | ۰/۹۴۷       | ۰/۱۳۲    |
|                                            | تفکر عینی                                                         | ۰/۹۳۶       | ۰/۲۱۷    | ۰/۹۳۵       | ۰/۱۲۵    |

| متغیرها                   | نسبت F | درجه آزادی صورت | درجه آزادی مخرج | سطح معناداری |
|---------------------------|--------|-----------------|-----------------|--------------|
| سرعت پردازش               | ۲/۳۱۴  | ۱               | ۱۵۸             | ۰/۴۳۲        |
| توجه انتخابی              | ۱/۸۰۱  | ۱               | ۱۵۸             | ۰/۳۲۱        |
| برنامه ریزی               | ۱/۰۱۷  | ۱               | ۱۵۸             | ۰/۳۹۶        |
| دشواری در شناسایی احساسات | ۰/۷۸۵  | ۱               | ۱۵۸             | ۰/۵۸۱        |
| دشواری در توصیف احساسات   | ۰/۷۹۲  | ۱               | ۱۵۸             | ۰/۸۹۶        |



|           |       |   |     |       |
|-----------|-------|---|-----|-------|
| تفکر عینی | ۰/۸۱۴ | ۱ | ۱۵۸ | ۰/۴۶۵ |
|-----------|-------|---|-----|-------|

با توجه به نتایج جدول ۳، سطح معناداری آماره لوین برای متغیرهای پژوهش بالاتر از  $P > 0/05$  است و نسبت F معنادار نشده است؛ بنابراین فرض همسانی واریانس‌های

خطای نمرات برقرار بوده و برای تحلیل نتایج می‌توان از آزمون تی مستقل استفاده نمود که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴ نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در دو گروه

| متغیر                     | کودکان طلاق |              | کودکان عادی |              | T    | درجه آزادی | سطح معناداری |
|---------------------------|-------------|--------------|-------------|--------------|------|------------|--------------|
|                           | میانگین     | انحراف معیار | میانگین     | انحراف معیار |      |            |              |
| سرعت پردازش               | ۸/۴۱        | ۴/۰۴         | ۱۴/۰۲       | ۴/۱۸         | ۶/۱۶ | ۱۵۸        | ۰/۰۰۲        |
| توجه انتخابی              | ۶/۷۹        | ۲/۱۱         | ۹/۰۶        | ۲/۰۸         | ۵/۷۲ | ۱۵۸        | ۰/۰۰۳        |
| برنامه‌ریزی               | ۹/۸۲        | ۴/۲۱         | ۱۳/۵۵       | ۴/۳۲         | ۴/۶۵ | ۱۵۸        | ۰/۰۰۱        |
| ناگویی هیجانی             | ۱۸/۰۸       | ۳/۷۵         | ۱۳/۴۶       | ۳/۴۱         | ۸/۳۶ | ۱۵۸        | ۰/۰۰۱        |
| دشواری در شناسایی احساسات | ۱۶/۸۴       | ۳/۱۲         | ۱۲/۰۱       | ۲/۹۶         | ۷/۱۲ | ۱۵۸        | ۰/۰۰۳        |
| دشواری در توصیف احساسات   | ۲۴/۱۱       | ۶/۰۲         | ۱۸/۱۳       | ۵/۹۶         | ۹/۱۴ | ۱۵۸        | ۰/۰۰۱        |
| تفکر عینی                 |             |              |             |              |      |            |              |

این اساس، در متغیرهای سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی میانگین نمره گروه کودکان عادی بالاتر از گروه کودکان طلاق بود؛ اما در مؤلفه‌های ناگویی هیجانی شامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی میانگین کودکان طلاق از گروه کودکان عادی بیشتر بود ( $P < 0/05$ ).

نتایج جدول ۴ به مقایسه سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در دو گروه کودکان طلاق و کودکان عادی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد با توجه به میزان معناداری به دست آمده از آزمون تی، تمام متغیرهای پژوهش شامل سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در دو گروه کودکان طلاق و کودکان عادی تفاوت معناداری دارد ( $P < 0/05$ ). بر

## بحث

فرزندان طلاق و افراد عادی تفاوت معناداری دارد. بر این اساس، در متغیرهای سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی میانگین نمره گروه کودکان عادی بالاتر از

یافته اول پژوهش نشان داد بین متغیرهای سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی در بین دو گروه

گروه کودکان طلاق بود. این یافته با یافته‌های اندرو و همکاران (۲۰۲۱)، دمت و همکاران (۲۰۲۲) و ژو و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود رشد سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی به عنوان کارکردهای اجرایی در دوران کودکی نقش مهمی در شکل دادن به عملکرد کلی کودکان دارند (اندرو و همکاران، ۲۰۲۱). در این میان تعاملات والدین-فرزند و پویایی خانواده می‌تواند بر مسیر رشد این مؤلفه‌های عملکرد اجرایی تأثیرگذار باشد و اگر در دوران کودکی مشکلاتی برای کودکان به وجود بیاید آن‌ها را آسیب‌پذیر می‌کند (دمت و همکاران، ۲۰۲۲). به همین دلیل در نظر گرفتن کیفیت محیط خانه و تعاملات والدین-کودک مهم هستند؛ زیرا ممکن است مسیر رشد عملکردهای اجرایی از جمله سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی را به صورت عملکرد مثبت یا عملکرد منفی شکل بدهند. هرج و مرج خانگی یکی از عوامل زمینه‌ای قابل دوامی است که بر عملکردهای اجرایی کودکان تأثیر منفی می‌گذارند (هوگس و انسور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹)، از جمله این هرج و مرج‌ها می‌توان به طلاق اشاره کرد، در طلاق، کودکان به دلیل فشار روانی زیادی که متحمل می‌شوند از نظر برنامه‌ریزی، توجه انتخابی و سرعت پردازش نسبت به کودکان عادی رشد کمتری می‌کنند و در این زمینه دچار نقص می‌شوند. در کودکان طلاق به دلیل جدایی والدین و فشارهای روانی که به دلیلی این جدایی متحمل می‌شوند کارکردهای اجرایی‌شان رشد مناسبی ندارد و همین مسئله باعث می-

شود که این کودکان نسبت به کودکان عادی عملکرد ضعیف‌تری داشته باشند و نتوانند برای انجام دادن فعالیت‌هایشان از برنامه‌ریزی مناسبی استفاده نمایند علت اینکه این کودکان نمی‌توانند از برنامه‌ریزی مناسبی برای انجام فعالیت‌هایشان استفاده نمایند به این خاطر است که آن‌ها در زمینه سرعت پردازش و توجه انتخابی به شرایط محیطی‌شان دچار ضعف هستند؛ اما کودکان عادی با توجه به اینکه شرایط مساعدتری از نظر روانشناختی داشته‌اند و فشارهای روانی کمتری تجربه کرده‌اند عملکردهای اجرایی‌شان بهتر عمل می‌کند و به همین دلیل از برنامه‌ریزی، توجه انتخابی و سرعت پردازش بهتری نسبت به کودکان طلاق بهره می‌برند و در پژوهش حاضر نیز مشخص شده است که کودکان عادی در زمینه سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی به عنوان عملکردهای اجرایی از شرایط بهتری نسبت به کودکان طلاق برخوردار هستند.

در تبیین دیگر این یافته می‌توان گفت بر اساس مدل زیست بوم‌شناختی فرایندهای نزدیک در محیط روزانه برای رشد شناختی کودکان حیاتی است (برونفن‌برنر و موریس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). این مدل فرض می‌کند که کودکان با تعامل با محیط خود که از ساختارهای تودرتو تشکیل شده است، رشد می‌کند و این ساختارها از بیشترین تا کمترین تعامل مستقیم با کودکان مرتب می‌شوند (برونفن‌برنر و موریس، ۲۰۰۷). کودکان در مرکز این مدل قرار دارند و در اولین سطح این مدل کودکان با

1. Hughes &amp; Ensor

2. Bronfenbrenner &amp; Morris

های صدری دمیچی و همکاران (۱۳۹۶)، مفردنژاد (۱۳۹۳) و توربرگ و همکاران (۲۰۱۱) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود رشد سالم مهارت‌های هیجانی که به عنوان توانایی تنظیم، تشخیص، تفسیر و برقراری ارتباط با هیجانات تعریف می‌شود، پیش‌نیازی برای کودکان است تا یاد بگیرند که از نظر اجتماعی شایستگی پیدا کنند و روابط بین فردی قوی را در طول عمر ایجاد کنند (توربرگ و همکاران، ۲۰۱۱) در این میان مشکلاتی از جمله بدرفتاری‌ها، طلاق و غفلت‌های والدین می‌توانند این روند رشد عاطفی عادی را مختل کند (خان و جافی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). بر اساس رویکردهای روانشناختی، ضربه عاطفی شدید در زندگی و رشد در محیطی که از نظر محرک‌های هیجانی و ابراز هیجانی ضعیف است می‌تواند ناگویی هیجانی را ایجاد کند (مفردنژاد، ۱۳۹۳)، کودکان طلاق در چنین شرایطی قرار دارند به این صورت که این کودکان به دلیل جدایی والدینشان از یکدیگر از جنبه‌های مختلف تحت فشار قرار دارند و همین مسئله باعث می‌شود که از نظر هیجانی دچار استرس و مشکلات روانشناختی زیادی بشوند. در پژوهش‌ها نیز مشخص شده است که استرس بر ناگویی خلقی اثر مستقیم و تشدیدکننده دارد (خان و جافی، ۲۰۲۲). به همین دلیل این کودکان به دلیل شرایطی که در آن قرار دارند توانایی شناسایی، توصیف و تفکر عینی پایین‌تری نسبت به کودکان عادی دارند و مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند چون شرایطی که در آن قرار

اعضای خانواده ارتباط مستقیم دارند (کاسکلو-سانکار، ون‌دویجر-برگسما، مولدر و بلوم<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). فرایندهای نزدیک در ریز سیستم شامل رفتارهای والدین نسبت به کودکان است، به گونه‌ای که نحوه تعامل والدین با کودکان رشد توانایی‌های شناختی از جمله سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی را تقویت می‌کند یا بر رشد آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. کودکان در خانواده-هایی که والدینشان به صورت مشترک با هم زندگی نمی‌کنند از این تعاملات در ریز سیستم‌ها که بر رشد سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی اثرگذار است بهره‌ای نمی‌برند چون عموماً با یک والد زندگی می‌کنند و حتی اگر والدینشان بعد از جدایی مجدد ازدواج کنند، تعاملات مناسب و مفید برای رشد سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی به اندازه والدین اصلی خود کودک فراهم نمی‌شود. در این پژوهش نیز نتایج نشان می‌دهد که میزان توانایی کودکان عادی نسبت به کودکان طلاق در سرعت پردازش، توجه انتخابی و برنامه‌ریزی بهتر است.

یافته دوم پژوهش نشان داد بین مؤلفه‌های ناگویی هیجانی در دو گروه کودکان طلاق و کودکان عادی تفاوت معناداری دارد. بر این اساس، در مؤلفه‌های ناگویی هیجانی شامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی میانگین کودکان طلاق از گروه کودکان عادی بیشتر بود. این یافته با یافته-

<sup>۲</sup>. Khan & Jaffee

<sup>۱</sup>. Koşkulu-Sancar, van de Weijer-Bergsma, Mulder, Blom

محروم می‌باشند از نظر عاطفی که یکی از موارد زمینه‌ساز رشد مناسب در زمینه هیجانات است بهره‌ای نمی‌برند و به همین دلیل در این متغیر نسبت به کودکان عادی ضعیف‌تر عمل می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که بین سرعت پردازش، توجه انتخابی، برنامه‌ریزی و ناگویی هیجانی در دو گروه کودکان طلاق و کودکان عادی تفاوت معناداری دارد. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به مقطعی بودن و محدود بودن نمونه پژوهش به دانش-آموزان ۸ تا ۱۲ ساله مناطق ۱۴ و ۱۵ شهر تهران، همکاری نکردن برخی مدارس و معلمان در تکمیل پرسش‌نامه‌ها اشاره کرد. به همین منظور پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی این محدودیت‌ها مرتفع گردیده و همچنین از دانش‌آموزان سایر مقاطع سنی نیز با توجه به اهمیت این متغیرها در زندگی دانش‌آموزان استفاده گردد. نتایج این مطالعه می‌تواند راهنمایی برای درمانگران باشد تا به مراقبین کودکان فرزند طلاق در زمینه رشد شناختی اطلاعاتی بدهند و از سوی دیگر با توجه به عدم حمایت عاطفی-هیجانی از این کودکان، برنامه‌های مداخله‌ای با تمرکز بر شناسایی و توصیف احساسات و هیجانات برای آن‌ها برگزار گردد.

### سپاسگزاری

کلیه مراحل انجام این پژوهش مطابق با اصول اخلاق در پژوهش انجام شده است و محرمانه بودن داده‌ها حفظ شده است. پژوهش حاضر دارای مجوز پژوهشی به

دارند به گونه‌ای نیست که بتوانند احساسات خودشان را شناسایی و یا توصیف و یا ابراز نمایند. نتایج این پژوهش نیز نشان داده است که کودکان طلاق در مقایسه با کودکان عادی از شرایط مناسبی برخوردار نیستند.

در تبیین دیگر این یافته می‌توان بیان نمود کودکان فرزند طلاق در مؤلفه‌های دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی نسبت به کودکان عادی تفاوت معناداری داشتند که به منزله این است که این کودکان در این مؤلفه‌ها ضعف بیشتری دارند و از هیجانات خودشان به صورت کامل بهره نمی‌برند و به همین دلیل، مشکلات هیجانی در این کودکان نسبت به کودکان عادی بیشتر است. همچنین تفاوت بین نمرات ناگویی هیجانی در دو گروه کودکان به دلیل این است که کودکانی که جدا از یکی از والدین یا هر دو زندگی می‌کنند ارتباطات اجتماعی کمتری را به نسبت کودکانی که با دو والد زندگی می‌کنند برقرار می‌نمایند و همین مسئله در شناسایی و توصیف احساسات و تفکر عینی این کودکان اختلال ایجاد می‌نماید؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که کودکان طلاق به دلیل اینکه از حضور یک یا هر دو والد محروم هستند دچار مشکلاتی در زمینه ناگویی هیجانی می‌شوند و نمی‌توانند احساسات و هیجانات دیگران را به درستی درک نمایند و همین مسئله باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای این کودکان در مقایسه با کودکان عادی می‌شود. همچنین برقراری تعاملات عاطفی نزدیک می‌تواند به توسعه شناسایی و توصیف احساسات و تفکر عینی در کودکان کمک نماید؛ اما چون این کودکان از حضور همزمان والدین

مجری این پژوهش ضمن تعهد به آگاهی و رعایت کلیه «راهنمای کشوری اخلاق در انتشار آثار پژوهشی» اعلام می‌دارد این پژوهش هیچ گونه تعارض منافع و منابع مالی نداشته است.

شماره ۱۲۶۶/۸۶ از دانشگاه سیستان و بلوچستان است. بدین وسیله از کارکنان آموزش و پرورش مناطق ۱۴ و ۱۵ شهر تهران و کلیه دانش‌آموزانی که در انجام پژوهش مشارکت نمودند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. با توجه به موارد مندرج در راهنمای تعارض منافع و منابع مالی،

## References

- Anchesi SD, Corallo F, Di Cara M, Quartarone A, Catalioto R. (2023). Autism and ADHD: A Literature Review Regarding Their Impacts on Parental Divorce. *Children*, 10(3), 1-13.
- Andrews K, Dunn JR, Prime H, Duku E, Atkinson L, Tiwari A, Gonzalez A. (2021). Effects of household chaos and parental responsiveness on child executive functions: a novel, multi-method approach. *BMC psychology*, 9, 1-14.
- Bakhtiary Javan S, Farrokhi NA, Bakhtiary Javan S, Sadeghi R. (2020). Predicting internet addiction through executive functions; emphasizing on the components of inhibition, working memory and cognitive flexibility among students of Allameh Tabataba'i University. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 7(5), 80-91. (In Persian)
- Besharat MA. (2007). Reliability and factorial validity of a Farsi version of the 20-item Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. *Psychological reports*, 101(1), 209-220. (In Persian)
- Bronfenbrenner U, Morris PA. (2007). The bioecological model of human development. *Handbook of child psychology*, 1. <https://doi.org/10.1002/9780470147658.chpsy0114>
- Bryceson D, Vuorela U. (Eds.). (2020). *The transnational family: New European frontiers and global networks*. Routledge.
- Conners CK. (1990). *Manual for Conner's rating scales*. Multi-Health Systems, Incorporated.
- Corbo I, Casagrande M. (2022). Higher-level executive functions in healthy elderly and mild cognitive impairment: a systematic review. *Journal of Clinical Medicine*, 11(5), 1204-1224.
- Correro AN, Paitel ER, Byers SJ, Nielson KA. (2021). The role of alexithymia in memory and executive functioning across the lifespan. *Cognition and Emotion*, 35(3), 524-539.
- De Maat DA, Schuurmans IK, Jongerling J, Metcalf SA, Lucassen N, Franken IH. (2022). Early life stress and behavior problems in early childhood: Investigating the

- contributions of child temperament and executive functions to resilience. *Child Development*, 93(1), e1-e16.
- Delawar A. (2011). Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences. Tehran: Roshd. (In Persian)
- Gohari S, Hosseini Almadani SA, Afkari F. (2023). Efficacy of Child-Oriented Unified Trans-Diagnostic Treatment for Alexithymia in Divorce-Engaged Children with Emotional Self-Regulation Difficulties. *Journal of Applied Psychological Research*, 14(2), 179-194. (In Persian)
- Hughes CH, Ensor RA. (2009). How do families help or hinder the emergence of early executive function?. *New directions for child and adolescent development*, 2009(123), 35-50.
- Jusienė R, Rakickienė L, Breidokienė R, Laurinaitytė I. (2020). Executive function and screen-based media use in preschool children. *Infant and Child Development*, 29(1), e2173.
- Keshavarz VN, Zarei GA. (2020). The effect of executive functions training on neuropsychological skills and attention control of the students with learning disabilities. *Journal of Psychological Science*, 19(90), 723-732. (In Persian)
- Khan AN, Jaffee SR. (2022). Alexithymia in individuals maltreated as children and adolescents: a meta-analysis. *Journal of child psychology and psychiatry*, 63(9), 963-972.
- Khanjani Z, Farhoudi M, Nazari M, Saeedi M, Abravani P. (2018). Effectiveness of cognitive rehabilitation on selective and divided attention and executive function in adults with stroke. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 5(3), 81-94. (In Persian)
- Koşkulu-Sancar S, Van de Weijer-Bergsma E, Mulder H, Blom E. (2023). Examining the role of parents and teachers in executive function development in early and middle childhood: A systematic review. *Developmental Review*, 67, 101063.
- Lilly FR. (2019). Creativity and cognitive development in adolescence. *The Encyclopedia of Child and Adolescent Development*, 1-10.
- Mofradnegad N. (2014). The Comparison of Alexithymia, Mental health and Academic Performance of Female Students in divorced and non-divorced families, controlling the effect of socio-economic status. *The Journal of New Thoughts on Education*, 10(2), 120-140. (In Persian)
- Mortelmans D. (2020). *Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups* (p. 370). Springer Nature.
- Rad ZG, Veysipour F. (2023). Investigating the harms of divorce on the lives of couples and children. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 1(1), 14-17. (In Persian)
- Sadridamirchi E, Mansuori B, Khodaeikhiavari S. (2018).

- Comparison of Alexithymia and Integrative Self-knowledge among Normal and Divorced Students. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 13(4), 77-93. (In Persian)
- Smith-Etxeberria K, Corres-Medrano I, Fernandez-Villanueva I. (2022). Parental divorce process and post-divorce parental behaviors and strategies: examining emerging adult children's attachment-related anxiety and avoidance. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(16), 10383.
- Spikman J, Van Zomeren E. (2010). Assessment of attention. *The handbook of clinical neuropsychology*, 81-96.
- Taylor GJ, Bagby RM & Parker JD. (2003). The 20-Item Toronto Alexithymia Scale: IV. Reliability and factorial validity in different languages and cultures. *Journal of psychosomatic research*, 55(3), 277-283.
- Thorberg FA, Young RM, Sullivan KA, Lyvers M. (2011). Parental bonding and alexithymia: A meta-analysis. *European Psychiatry*, 26(3), 187-193.
- Van Dijk R, Van der Valk IE, Deković M, Branje S. (2022). Triangulation and child adjustment after parental divorce: Underlying mechanisms and risk factors. *Journal of Family Psychology*, 36(7), 1117-1131.
- Veirman E, Van Ryckeghem DM, Verleynsen G, De Paepe AL, Crombez G. (2021). What do alexithymia items measure? A discriminant content validity study of the Toronto-alexithymia-scale-20. *PeerJ*, 9, e11639.
- Verdejo-García A, Alcázar-Córcoles MA, Albein-Urios N. (2019). Neuropsychological interventions for decision-making in addiction: A systematic review. *Neuropsychology Review*, 29, 79-92.
- Weaver JM, Schofield TJ. (2015). Mediation and moderation of divorce effects on children's behavior problems. *Journal of family psychology*, 29(1), 39-48.
- Weissman DG, Nook EC, Dews AA, Miller AB, Lambert HK, Sasse SF, ... McLaughlin KA. (2020). Low emotional awareness as a transdiagnostic mechanism underlying psychopathology in adolescence. *Clinical Psychological Science*, 8(6), 971-988.
- Zagaría T, Antonucci G, Buono S, Recupero M, Zoccolotti P. (2021). Executive functions and attention processes in adolescents and young adults with intellectual disability. *Brain Sciences*, 11(1), 42-59.
- Zhan Z, Ai J, Ren F, Li L, Chu CH, Chang YK. (2020). Cardiorespiratory fitness, age, and multiple aspects of executive function among preadolescent children. *Frontiers in Psychology*, 11, 1198.
- Zhou Y, Yu NX, Dong P, Zhang Q. (2022). Stressful life events and children's socioemotional difficulties: Conditional indirect effects of resilience and executive function. *Journal of Experimental Child Psychology*, 216, 105345.